

از آثار باستانی و زیبای کشور خود نگاهداری کنیم

اکبر تجویدی

ایران بمردم جهان وقف کرده است پس از سالها رنج و فداکاری در برابر یکی از آثار باستانی که علیرغم کوششهای وی ویران گشته و به مخروبه‌ای بدل شده بود با آه و افسوس فراوان میگفت: «عشق ورزیدن نسبت بهیچ مطلبی در ایران باندازه عشق با آثار باستانی، انسان را فرسوده نمیسازد و رؤیاهایش را تباہ نمیکند».

شک نیست که سازمانها و دستگاههای مربوط مانند اداره کل باستانشناسی و انجمن آثار ملی کوششهای گرانبهایی برای نگاهداری آثار هنری بکار میبرند ولی همچو بنظر میرسد که تا هنگامیکه همگی مردم یک کشور از خرد و بزرگ به ارزش و زیبایی آثار کهن خویش پی نبرند هرگز نمیتوان در این راه نتیجه‌ی کامل گرفت و تا هنگامیکه هنوز در کشور ما کسانی پیدا میشوند که هنگام بازدید از بناهایی مانند چهلستون و عالی‌قاپو بامیخ و ممداد و دیگر ابزار بر روی نقاشیهای نفیس و گرانبهای این ساختمانها یادگار مینویسند و یا صورت‌های نقاشی را خراش میدهند هرگز نمیتوان به نگاهداری آثار باستانی خوشبین بود. از این گذشته بسیاری از خانه‌ها و ساختمانهای افراد کشور ما جزء بناهای تاریخی و باستانی بشمار میرود و در پاره‌ای از آنها گچ‌بری‌های زیبا، کاشیهای خوش‌نقش و مشبک‌های شیشه‌ای گرانبها یافت میشود و معماری خانه جزء شاهکارهای هنری محسوب میگردد.

چنین خانه‌هایی در سایر کشورهای جهان که دولت هزینه و بودجه کافی برای نگاهداری آثار کهن دارد از صاحبان آن خریداری می‌شود و به موزه و کتابخانه بدل میشود و آنها را همانگونه برای نسلهای آینده نگاهداری مینمایند در پاره‌ای کشورهای کمیسیونهای مخصوص هر ساله تعدادی از بناهای کشور

می‌گیرند مردم شهر «ونیز» حساسیت بیشتری به نسبت سایر مردمان در برابر پدیده‌های هنری دارند و در این باره دلیل می‌آورند که چون ساکنان این شهر در هر لحظه با آثار هنری و زیباییهای جاودانی که سراسر شهر رؤیایی و نیز را پوشانده است سروکار دارند و در هر میدان و هر خیابان و هر پست کوچه با ساختمانهای بدیع باستانی و بیکره‌های موزون مواجه میشوند خواه ناخواه ذوق زیباشناسی آنان پرورش می‌یابد و در شناخت آثار هنری خیره میگردند. حقیقت آنست که پاره‌ای از شهرهای جهان خود یک گونه موزه و مجموعه هنری بشمار میروند که هر کس در آنجا زندگی کند مانند آنست که همه اوقات خود را در یک موزه‌ی پهناور و بیکران گذرانده باشد. همچنین مردمی بناچار با آثار هنرمندان بزرگ خو میگیرند و کم‌کم بیک تعادل روانی که ویژه مردم هنرپژوه است دست می‌یابند.

در کشور پهناور ما از اینگونه شهرها کم نیست و هر کسی اندکی در کشور ما بسياحت و تفحص بپردازد تصدیق خواهد کرد که در کمتر بخشی از جهان اینهمه آثار هنری زیبا پدیدار گشته است. پاره‌ای از شهرهای ایران مانند اصفهان از جهت بيشماری آثار باستانی در جهان بی‌مانندند و بهمان دلیل که در آغاز این گفتار یاد کردم بسیاری از صنعتگران و هنرمندان ایرانی از این شهر برخاسته‌اند و مردمان این شهر زیبا و باستانی در داشتن ذوق هنری و ادبی شهرت دارند.

از اصفهان گذشته در هر یک از شهرهای دیگر ایران به تحقیق بپردازیم هزاران ساختمان و اثر بی‌ظنیر هنری می‌یابیم که هر کدام در نوع خود مانند ندارند و از شاهکارهای معماری و هنری جهان بشمار میروند ولی یکی از دوستان نگارنده که عمر خویش را در راه شناساندن آثار هنری با ارزش



گوشه‌ای از بنای عالی قاپو
در اصفهان

و بقول خودشان «مدرن» برپا میسازند و اگر در ساختمان کهنه کاشیهای زیبا و درهای منبت و پنجره‌های مشبك باشد آنها را جداگانه به دلالت میفرشند و بحساب خود آنرا تبدیل باحسن مینمایند. از مردمی چون ملت کهنسال ما با این پیشینه بزرگ فرهنگی و این گذشته درخشان تاریخی اینکارها شایسته نیست. در هیچ جای دنیا همه اقدامات را تنها دولت نباید بعمل بیاورد بلکه بر هر فردی است که سهم خویش برای بهبود وضع کشور چه از نظر زندگی مادی چه معنوی همکاری کند. هنرهای زیبای کشور تاکنون سهم خویش در راه تعمیر

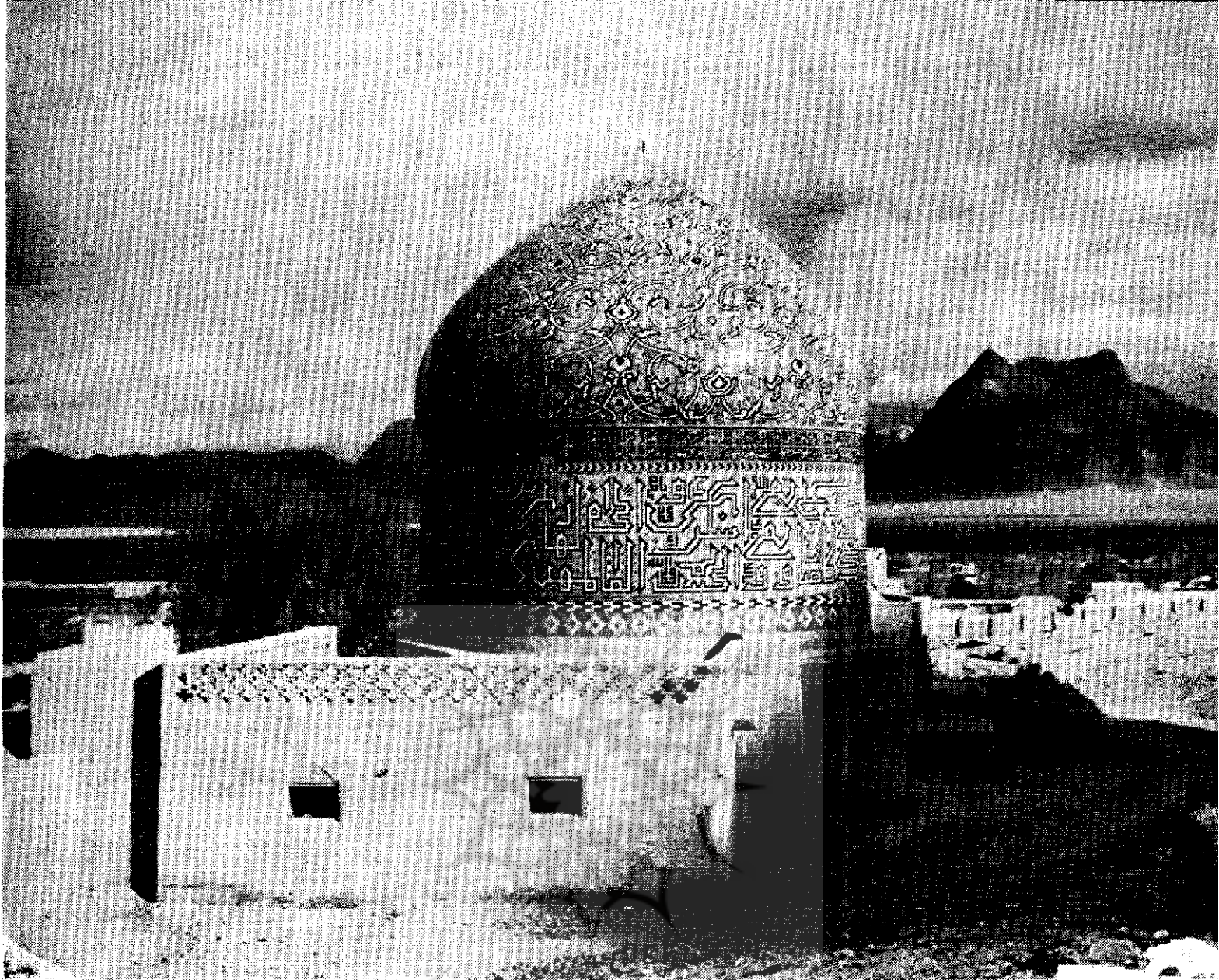
را که دارای ارزش هنری باشد و کهنگی آن بحد معینی رسیده باشد جزء بناهای ملی اعلام مینماید و از آن تاریخ صاحب آن بنا حق هیچگونه تغییری در ساختمان و زینت‌های کهنه آن ندارد و چنانچه تغییر و یا ترمیم و تعمیری در بنا لازم باشد ناچار است به سازمانهای مربوط مراجعه کند و بانظر کارشناسان آگاه، آن نقص را رفع نماید ولی در کشور ما که هنوز چنین مقرراتی وضع نگشته پاره‌ای از مردمان خانه‌های بسیار با ارزش چند صد ساله را از روی ناآگاهی و یا تقلید کورکورانه از همسایگان و یا بجهت فرنگی‌مآبی خراب میکنند و بجای آن ساختمان تازه



خرابه‌های گنبد جبلیه در کرمان

عیسی بهادری رئیس هنرستان هنرهای زیبای اصفهان مأموریت یافت که از آغاز، طرح تازه‌ای برای کاشیکاری این گنبد پی‌ریزی کند. این گنبد اکنون با تمام رسیده و کاشیهای فیروزه‌ای و طلایی رنگ آن زیر آسمان شفاف شیراز درخشندگی و جلای باشکوهی پیدا کرده است. خوبست مردم کشور ما از این راهنماییها بیشتر بهره‌جویی کنند و گر نه تلاشهای دستگاههای دولتی همانگونه که یاد شد برای نگهداری آثار زیبای باستانی هرگز کافی نخواهد بود. اگر امروز بفرچاره‌جویی نباشیم و این میراث بزرگ هنری را که بناهای تاریخی باشد نگهداری نکنیم دیری نخواهد گذشت که کشور ما این گرانبهاترین سرمایه خویش را که مایه شادمانی ما ایرانیان و آبروی مملکت در نزد بیگانگان نیست که از ایران دیدن میکنند بکلی از دست خواهد داد.

و ترمیم و نگهداری پاره‌ای از بناهای تاریخی کوششهای ارزشمندی مبذول داشته است. محل فعلی موزه هنرهای ملی و موزه شهر تهران که در آینده نزدیکی گشایش خواهد یافت و تالار الماس از جمله بناهاییست که بکوشش اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه هنرهای زیبای کشور بهمان شیوه اصلی نگهداری شده و تعمیرهای لازم بی آنکه اصالت بنا را از میان ببرد در آن بعمل آمده. در نقاط مختلف شهر تهران و شهرستانها مسجدها و بقعه‌های گوناگون بوسیله هنرمندان این مؤسسه هنری مرمت گشته و بصورت اصلی درآمده است و با ازابتدا بشیوه‌ای که با معماری بنا، سازگاری داشته باشد ساخته گشته است که از آنجمله باید کاشیکاری گنبد شاه چراغ شیراز را نام برد. در سالهای اخیر از کاشیهای این گنبد چیز زیادی بجا نمانده بود از اینرو آقای



انمازاده شهرضا در شهرضا

جهان قرار میگیرد ولی همه این مسائل پاسخی به چگونگی فروش اثری که وقف یک بنای تاریخی و مذهبی است نمیتواند بود. در این زمینه گفتن بسیار است و شکوه بشمار. تازمانیکه آثار باستانی کشور ما بر حسب صورت دقیق و رسمی تعیین نگردیده است و جزء بناهای تاریخی ملی بشمار نیامده است و وظیفه مردمان هنرپژوه کشور ما در قبال این میراث کهن گراتر است.

باید بخاطر داشته باشیم که هراثر هنری از نقاشی و بیکر سازی و معماری و دیگر آثار هنری فقط در سیر تاریخ یکبار و تنها یکبار پدید میشود و هر یک از این آثار بدست نابودی سپرده شود بهمان میزان از زیبایی و لطف زندگی ما و آبرویمان ترد بیگانگان کاسته خواهد شد.

یکی از سنت های پسندیده نیاکان هنردوست ما آن بوده که برای مزار بزرگان قوم خویش آثار هنری کم نظیری وقف میکردند و برای بزرگداشت آنان گرانبها ترین پدیده های هنری را در مقبره آنان گرد می آوردند بطوریکه این چنین جایگاهها همواره چون نگارخانه چین، پرازنقش و نگارهای دلکش بوده. امروز پاره ای از گرانبها ترین این آثار به موزه های دنیا انتقال یافته است. هرگز برای نگارنده روشن نشد این اشیاء را چگونه و با چه تمهیدی از این بناها خارج کرده اند و بفروش رسانده اند. درست است که موزه هایی که اکنون این آثار را در اختیار دارند از هر جهت در نگاهداری آنها کوشا هستند و ارزش واقعی آنها را درک میکنند و صحیح است که این آثار بنام کشور ما هر روزه مورد بازدید هزاران نفر از مردم